



جمهوری اسلامی ایران
وزارت امور اقتصادی و دارایی
ستاد بکاري حوزه علمیه و وزارت امور اقتصادی و دارایی

بررسی تطبیقی الگوهای مطرح مردمی سازی اقتصاد، خصوصی سازی
بخش سوم و تعاونی و اقتصاد مردمی در دیدگاه رهبران انقلاب اسلامی
«گزارش پیوسته؛ شماره ۳»



بررسی تطبیقی الگوهای مطرح مردمی سازی اقتصاد (خصوصی سازی، بخش سوم و تعاونی) و اقتصاد مردمی در دیدگاه رهبران انقلاب اسلامی

«گزارش پیوسته؛ شماره ۳»

گزارش سیاستی

مؤلفین:

سید حسین حسینی، حمزه معلی، مسلم کرمی

عرشیا یحیایی، محمدرضا محمودی



تاریخ چاپ: آذرماه ۱۴۰۳

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عنوان: بررسی تطبیقی الگوهای مطرح مردمی سازی اقتصاد (خصوصی سازی، بخش سوم و تعاونی)

و اقتصاد مردمی در دیدگاه رهبران انقلاب اسلامی «گزارش پیوسته؛ شماره ۳»

مؤلفین: سیدحسین حسینی، حمزه معلی، مسلم کرمی، عرشیا یحیایی، محمدرضا محمودی

ناظر علمی: دکتر رضا غلامی

ارزیابان: دکتر علی سعیدی، دکتر مرتضی صالحی

گروه پژوهشی: ستاد همکاری حوزه علمیه و وزارت امور اقتصادی و دارایی

صفحه آرایی: جلال جوانمرد

واژه‌های کلیدی: خصوصی سازی، بخش سوم اقتصاد، تعاونی، مردمی سازی، دیدگاه رهبران انقلاب

شناسه گزارش: ۴۰۳۰۹۱۲۱۷۱۱

تاریخ نشر: آذرماه ۱۴۰۳

حقوق معنوی این اثر متعلق به ستاد همکاری حوزه علمیه و وزارت امور اقتصادی و دارایی است و استفاده از آن با ذکر مأخذ بلامانع است.

جهت دریافت گزارش‌های سیاستی به سایت www.sahwa.ir مراجعه کنید.

مطالب این نوشتار الزاما نظرات رسمی وزارت امور اقتصادی و دارایی و ستاد همکاری حوزه علمیه و وزارت امور اقتصادی و دارایی نمی باشد.

فهرست

۱. چکیده مدیریتی ۱
۲. مقدمه و طرح مسئله ۲
۳. خصوصی سازی ۳
 - ۳.۱. تعریف خصوصی سازی ۳
 - ۳.۲. مقایسه مشارکت مردم در اقتصاد با خصوصی سازی ۶
 - ۳.۲.۱. بررسی حضور آگاهانه مردم ۸
 - ۳.۲.۲. بررسی حضور ماهرانه مردم ۸
 - ۳.۲.۳. بررسی حضور مسئولانه مردم ۹
 - ۳.۲.۴. بررسی دسترسی آحاد مردم به امکانات و اطلاعات ۱۰
 - ۳.۲.۵. بررسی انگیزه و توانایی برای ورود به تمامی عرصه های اقتصادی ۱۰
 - ۳.۲.۶. بررسی مالکیت آحاد مردم ۱۱
 - ۳.۲.۷. بررسی مدیریت آحاد مردم ۱۱
 - ۳.۲.۸. بررسی ورود سرمایه آحاد مردم ۱۲
 - ۳.۲.۹. بررسی عاملیت آحاد مردم ۱۲
 - ۳.۳. ۱. تعریف بخش سوم اقتصاد ۱۲
 - ۳.۴. مقایسه مشارکت مردم در اقتصاد با بخش سوم اقتصاد ۱۳
 - ۳.۴.۱. بررسی آگاهانه بودن مشارکت مردم ۱۳
 - ۳.۴.۲. بررسی ماهرانه بودن مشارکت مردم ۱۴
 - ۳.۴.۳. بررسی مسئولانه بودن مشارکت مردم ۱۵
 - ۳.۴.۴. بررسی دسترسی عادلانه آحاد مردم به امکانات و اطلاعات ۱۵
 - ۳.۴.۵. بررسی انگیزه و توانایی لازم برای ورود به تمامی عرصه های اقتصادی ۱۶
 - ۳.۴.۶. بررسی مالکیت آحاد مردم ۱۶
 - ۳.۴.۷. بررسی مدیریت آحاد مردم ۱۷
 - ۳.۴.۸. بررسی فراهم بودن بستر لازم برای ورود سرمایه آحاد مردم ۱۷
 - ۳.۴.۹. بررسی عاملیت آحاد مردم ۱۸
 - ۳.۴.۱۰. تعریف تعاونی ۱۸

۲۰	۱۱.۳.۴.۲. مقایسه مشارکت مردم در اقتصاد با مشارکت بخش تعاونی در اقتصاد
۲۰	۱۲.۳.۴.۳. بررسی آگاهانه بودن مشارکت مردم
۲۱	۱۳.۳.۴.۳. بررسی ماهرانه بودن مشارکت مردم
۲۲	۱۴.۳.۴.۳. بررسی مسئولانه بودن
۲۳	۱۵.۳.۴.۳. بررسی دسترسی عادلانه آحاد مردم به امکانات و اطلاعات
۲۴	۱۶.۳.۴.۳. بررسی انگیزه و توانایی لازم برای ورود به تمامی عرصه‌های اقتصادی
۲۴	۱۷.۳.۴.۳. بررسی مالکیت و ورود سرمایه آحاد مردم
۲۵	۱۸.۳.۴.۳. بررسی مدیریت آحاد مردم
۲۶	۱۹.۳.۴.۳. بررسی عاملیت آحاد مردم
۲۶	۴. جمع‌بندی
۲۸	۵. توصیه‌های سیاستی
۲۹	۶. منابع



بررسی تطبیقی الگوهای مطرح مردمی سازی اقتصاد (خصوصی سازی، بخش سوم و تعاونی) و اقتصاد مردمی در دیدگاه رهبران انقلاب اسلامی (گزارش ۳)

باسمه تعالی

۱. چکیده مدیریتی

مردمی سازی اقتصاد به طور پیوسته مطالبه رهبران انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی^(ره) و حضرت آیت اله خامنه ای^(دام ظلّه) بوده و این مساله نیز در شعارهای سالهای اخیر تحت عناوین مختلف مورد تاکید بوده است. در این راستا امسال نیز سال جهش تولید با مشارکت مردم نامگذاری شده است.

این پژوهش که به صورت سه گزارش پیوسته ارائه شده است، در گام اول (گزارش شماره ۱) تعریف اقتصاد مردمی مبتنی بر تحلیل محتوای بیانات رهبران انقلاب اسلامی امام خمینی^(ره) و حضرت آیت اله خامنه ای^(دام ظلّه) ارائه شده است؛ و این تعریف به وسیله ادله قرآنی و روایی مستند شده است. در گام دوم (گزارش شماره ۲)، تعاریف اقتصاد مردمی از نظر اندیشمندان داخلی و خارجی، با تکیه بر تعریف مذکور مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. در گام سوم (گزارش پیش رو)، با توجه به تعریف به دست آمده،^۱ الگوهای خصوصی سازی، بخش سوم و تعاونی، به عنوان سه الگوی متعارف و مطرح از مشارکت مردم در اقتصاد مورد واکاوی قرار گرفته اند تا تصویر روشن تری از مدل مشارکت مطلوب مردم در دیدگاه رهبران انقلاب اسلامی پیش روی مسئولان امر قرار گیرد.

به طور خلاصه، در این گام نتایجی که در جدول زیر مورد اشاره قرار گرفته است، به دست آمد. البته علامات های این جدول بیانگر اولاً وجه غالب در هر یک از سه الگوی مذکور و ثانیاً ناظر به مفهوم این سه الگو است. ممکن است آنچه در مقام عمل به اجرا گذاشته شده است، تحت شرایط خارج از مفهوم و تعریف الگوی های زیر چیزی متفاوت از مقام نظر آن بوده باشد.

(۱) اقتصاد مردمی که عبارت است از: «حضور آگاهانه، ماهرانه و مسئولانه آحاد مردم، همراه با دسترسی عادلانه به امکانات و اطلاعات، در تمامی عرصه های اقتصادی که توانایی و انگیزه ورود به آن را دارند، از نظر مالکیت، مدیریت، ورود سرمایه و عاملیت». (ر.ک گزارش شماره ۱)



بررسی تطبیقی الگوهای مطرح مردمی سازی اقتصاد (خصوصی سازی، بخش سوم و تعاونی) و اقتصاد مردمی در دیدگاه رهبران انقلاب اسلامی (گزارش ۳)

نتایج حاصله گویای آن است که الگوی تعاونی، از بین سه الگوی مذکور، به اقتصاد مردمی نزدیک تر است. الگوی بخش سوم در مرتبه بعدی قرار گرفته و الگوی خصوصی سازی متأسفانه کمترین اشتراک را با مردمی شدن اقتصاد دارد.

مؤلفه های اقتصاد مردمی	خصوصی سازی	بخش سوم	تعاونی
حضور آگاهانه	×	✓	✓
حضور ماهرانه	×	×	✓
حضور مسئولانه	×	✓	×
دسترسی عادلانه به امکانات و اطلاعات	×	×	✓
ورود به تمامی عرصه های اقتصادی مشروط به انگیزه و توانایی	✓	×	✓
مالکیت	×	×	✓
مدیریت	×	✓	✓
ورود سرمایه	×	✓	✓
عاملیت	✓	✓	✓

۲. مقدمه و طرح مسئله

همان گونه که در گزارش شماره ۱ از تحلیل محتوای بیانات رهبران انقلاب اسلامی به دست آمد، اقتصاد مردمی عبارت است از: «حضور آگاهانه، ماهرانه و مسئولانه آحاد مردم، همراه با دسترسی عادلانه به امکانات و اطلاعات، در تمامی عرصه های اقتصادی که توانایی و انگیزه ورود به آن را دارند، از نظر مالکیت، مدیریت، ورود سرمایه و عاملیت».

هدف از گزارش پیش رو (گزارش شماره ۳) این است که الگوهای خصوصی سازی، بخش سوم و تعاونی، به عنوان سه الگوی متعارف و مطرح از مشارکت مردم در اقتصاد را از نظر تطابق با تعریف مذکور، مورد واکاوی قرار دهد. لذا در این گزارش در سه قسمت و به تفکیک، ابتدا خصوصی سازی، سپس بخش سوم و در انتها تعاونی تعریف و مفهوم هر یک با تعریف مردمی شدن اقتصاد در نگاه امامین انقلاب (ره) مورد مقایسه قرار می گیرد.



بررسی تطبیقی الگوهای مطرح مردمی سازی اقتصاد (خصوصی سازی، بخش سوم و تعاونی) و اقتصاد مردمی در دیدگاه رهبران انقلاب اسلامی «گزارش ۳»

با این توضیح سؤال این پژوهش این است: «الگوهای بخش خصوصی، بخش سوم و تعاونی در اقتصاد، به عنوان سه الگوی متعارف و مطرح از مشارکت مردم در اقتصاد، چه نسبتی با مشارکت مردم در اقتصاد از دیدگاه امامین انقلاب (ره) دارند؟»

همان گونه که در گزارش شماره ۱ گذشت، روش این گزارش «اسنادی»^۱ و به صورت تحلیلی و توصیفی بوده و با مراجعه به منابع مکتوب و سایر منابع مورد نیاز صورت گرفته است.

۳. خصوصی سازی

۳.۱. تعریف خصوصی سازی

از خصوصی سازی تعاریف متعددی ارائه شده است که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌شود:

در فرهنگ لغات تخصصی پالگریو^۲ خصوصی سازی^۳ چنین توضیح داده شده است: «خصوصی سازی، انتقال مالکیت شرکت‌ها از سوی دولت به احزاب خصوصی است. برنامه‌های خصوصی سازی از اواسط دهه ۱۹۸۰ در سراسر جهان اجرایی شده است که پیامدهای مهمی در بهره‌وری اقتصادی^۴، تأمین مالی بخش عمومی^۵ و توزیع^۶ داشته است» (ویکرز^۷، ۲۰۰۸: ۱۱۳).

«خصوصی سازی در شکل ظاهری عبارت است از فرآیندی که در آن وظایف و تأسیسات بخش دولتی به بخش خصوصی انتقال می‌یابد. خصوصی سازی در حقیقت به اشاعه فرهنگی در تمامی سطوح جامعه اطلاق می‌شود به گونه‌ای که دستگاه قانون گذاری، قضائیه، مجریه و تمامی افراد یک کشور، باور کنند که «کار مردم» را

1. Documentary Research
2. Palgrave
3. Privatization
4. Economic Efficiency
5. Public Finance
6. Distribution
7. Vickers



بررسی تطبیقی الگوهای مطرح مردمی سازی اقتصاد (خصوصی سازی، بخش سوم و تعاونی) و اقتصاد مردمی در دیدگاه رهبران انقلاب اسلامی «گزارش ۳»

باید به «مردم» واگذار کرد» (کابلی زاده، ۱۳۸۴: ۱۸).

«خصوصی سازی اغلب برای اشاره به فروش دارایی یا سهام شرکت های دولتی (سهامی خاص) یا سهام به

افراد یا شرکت های خصوصی به کار می رود» (کن^۱، ۱۹۹۵: ۱).

«خصوصی سازی به مفهوم توسعه حجم و میزان مشارکت بنگاه های بخش خصوصی داخلی و خارجی

در طراحی، تأمین مالی، توسعه و ساخت فعالیت های اقتصادی است و به همین دلیل خصوصی سازی یکی از

مهم ترین پدیده های اقتصادی جهان است» (جلال آبادی، عزیز نژاد و شاه حسینی، ۱۳۸۶: ۳).

«خصوصی سازی به مفهوم اصلاح ساختار بخش های دولتی کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه است

که هدف این اصلاح کارایی بالای اقتصاد خرد و رشد سریع اقتصادی است» (ششینسکی و لوپز کالوا^۲، ۲۰۰۳:

۱).

«خصوصی سازی عبارت است از مسئول کردن مردم در فعالیت های اقتصادی» (فیضی، لطیفی و

معصومی، ۱۳۹۲: ۲).

تعاریفی که از خصوصی سازی شده است گاهی از حیث اهداف آن بوده، گاهی از حیث فرآیند انجام آن،

گاهی از حیث آنچه باید مورد خصوصی سازی قرار گیرد و گاهی از حیث نتایج. با بررسی این تعاریف و تعاریف

دیگری که از خصوصی سازی شده است می توان گفت که خصوصی سازی عبارت است از «واگذاری بخشی از

فعالیت های اقتصادی دولت به بخشی از مردم»، اما این تعریف که قدر مشترک تعاریف فوق است به چند سؤال

پاسخ نمی دهد:

۱. در خصوصی سازی کدام بخش از فعالیت های دولت واگذار می شود؟

1. Coskun Can

2. Sheshinski & López-Calva



بررسی تطبیقی الگوهای مطرح مردمی سازی اقتصاد (خصوصی سازی، بخش سوم و تعاونی) و اقتصاد مردمی در دیدگاه رهبران انقلاب اسلامی «گزارش ۳»

در پاسخ به این سؤال می‌توان گفت که به طور کلی خصوصی سازی و واگذاری فعالیت‌های اقتصادی دولت به بخش خصوصی تا جایی انجام خواهد شد که دولت به عنوان مکمل و نه جانشین با رقیب بازار شناخته شود.

۲. فعالیت‌های اقتصادی دولت به کدام بخش از مردم واگذار می‌شود؟

در پاسخ به این سؤال می‌توان گفت که نظام بازار از طریق سازوکار قیمت، به کاراترین نحو ممکن، نوع و روش و نحوه تخصیص را مشخص می‌کند. در این نظام فرد یا سازمانی مسئول تولید، توزیع و قیمت‌گذاری نیست و همه چیز در بازار تعیین می‌شود. در این نظام قیمت‌ها هستند که تصمیمات تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان را در بازار با هم هماهنگ می‌کنند. قیمت‌های بالاتر عامل کاهش تمایل به خرید از سوی مصرف‌کنندگان و تشویق تولیدکنندگان است و قیمت‌های پایین‌تر مصرف را تشویق کرده و کاهش‌دهنده انگیزه برای تولید است. در واقع در نظام بازار این قیمت است که تعیین‌کننده تعادل است (امیری و دیگران، ۱۳۹۱: ۴۰-۳۹).

۳. این واگذاری به دنبال تحقق چه اهدافی بوده و چه نتایجی به دنبال دارد؟

در کشورهای مختلف که دارای سیستم‌های اقتصادی و شرایط اجتماعی مختلف‌اند، اهداف خصوصی سازی نیز متفاوت است (سلیمانی سه‌دهی و داورزنی، ۱۳۸۹: ۲۷)، ولی مهم‌ترین اهدافی که بیشتر مورد استفاده و استناد قرار گرفته، عبارت است از؛

افزایش کارایی اقتصادی (دورلف و بلوم، ۲۰۰۸، ج ۶: ۶۴۵) از طریق سپردن فعالیت‌های اقتصادی به مکانیزم خود سامان بخش بازار آزاد

افزایش رقابت (رضایی دولت‌آبادی، صمدی و ناجی‌زواره، ۱۳۹۰: ۳) به معنای افزایش تعداد فعالین در عرصه اقتصاد و خروج آن از انحصار بخش دولتی

کوچک کردن دولت (رضایی دولت‌آبادی و دیگران، ۱۳۹۰: ۳) و نقش مستقیم آن در فعالیت‌های اقتصادی



بررسی تطبیقی الگوهای مطرح مردمی سازی اقتصاد (خصوصی سازی، بخش سوم و تعاونی) و اقتصاد مردمی در دیدگاه رهبران انقلاب اسلامی «گزارش ۳»

جبران کسری بودجه دولت (کاتوزیان و قنبری، ۱۳۹۱: ۵۵) یا به عبارت دیگر تقلیل هزینه‌ها و افزایش درآمدهای دولت

توسعه بازارهای سرمایه (رضایی دولت‌آبادی و دیگران، ۱۳۹۰: ۳) و استفاده از پس‌اندازهای موجود.

۳.۲. مقایسه مشارکت مردم در اقتصاد با خصوصی سازی

خصوصی سازی به معنای «Privatization»، مفهومی است که در جهت کوچک سازی دولت و با هدف ایجاد کارایی و افزایش رقابت، در ادبیات اقتصادی غرب شکل گرفته است و از طریق سازوکار قیمت انجام می شود و لزومی ندارد که در جهت گسترش مالکیت در سطح عموم مردم و تحقق عدالت حرکت کند؛ به عبارت دیگر، در نگاه اول نمی توان گفت که خصوصی سازی حتماً در جهت مردمی شدن اقتصاد است.

توضیح بیش تر آنکه مردمی سازی اقتصاد و نوع نگاه به آن با بخش هایی از خصوصی سازی و سیاست های آن می تواند سازگار باشد. بخشی از واگذاری مالکیت ها به بخش غیر دولتی جزئی از نقشه و جورچین اقتصاد مردمی است؛ اما این جزء باید به گونه ای باشد که با سایر اجزاء مردمی سازی هم خوانی داشته باشد. اینکه مالکیت یک شرکت یا مجتمع صنعتی صرفاً به یک یا دو نفر واگذار شود و پس، این کمک خاصی به مردمی شدن اقتصاد نمی کند، اگرچه این کار بخشی از بار دولت را کم می کند و هزینه های او در آن حوزه را کم و درآمدها را زیاد می کند (خاندوزی، ۱۳۹۳).

بنابراین نه بزرگ شدن بخش خصوصی لزوماً به معنای مردمی تر شدن اقتصاد است و نه کوچک تر شدن آن به این معناست که اقتصاد در حال فاصله گرفتن از یک اقتصاد مردمی است. مهم این است که تصمیم گیری، تصمیم سازی و نقش آفرینی بر عهده چه کسانی است و تا چه اندازه امکان بروز و ظهور استعداد های اقشار مختلف مردم در عرصه های اقتصادی کشور وجود دارد؟

مثلاً در اقتصاد کشور می توان حالتی را تصور کرد که در آن یک شرکت صدها سهام دار داشته باشد که هر



بررسی تطبیقی الگوهای مطرح مردمی سازی اقتصاد (خصوصی سازی، بخش سوم و تعاونی) و اقتصاد مردمی در دیدگاه رهبران انقلاب اسلامی «گزارش ۳»

کدام از این سهامداران درصدی از سهام شرکت را دارا باشند و همه این‌ها تقریباً در شرایط برابر و منصفانه‌ای بتوانند با تعیین مدیریت برای شرکت مذکور نقش‌آفرینی داشته باشند. هم‌چنین می‌توان حالتی را تصور کرد که مثلاً ۵ نفر تمام سهام آن شرکت را در اختیار داشته باشند و آن طوری که بخواهند شرکت را اداره کنند.

بنابراین اینکه مدل خصوصی بودن در یک اقتصاد چگونه است و چقدر اجازه داده می‌شود که قاعده هرم وسیع باشد، تعیین‌کننده این است که اقتصاد کشور خصوصی مردمی است یا خصوصی غیرمردمی، یعنی خصوصی سازی می‌تواند به دو گونه باشد؛ مردمی و غیر مردمی.

این در حالی است که در عرصه نظری و بالتبع در عرصه عملیاتی اقتصاد کشور این تفکیک لحاظ نمی‌شود و مردمی شدن اقتصاد مترادف و مساوی خصوصی سازی تعریف می‌شود و این یک اشتباه رایجی است که صورت می‌گیرد و به خاطر این اشتباه رایج است که در متن سیاست‌های اصل ۴۴ اهدافی هم چون عدالت، گسترش مالکیت در سطح عموم مردم و ... ذکر می‌شود، اما آنچه در مقام عمل اجرا می‌شود همان مدل ساده‌ای است که در کتاب‌ها و ادبیات اقتصاد متعارف از خصوصی سازی مطرح شده است؛ چرا که جمعی از بدنه کارگزاران که قرار است معجری سیاست‌های کلی اصل ۴۴ و قوانین مربوطه باشند، چنین تفکیکی بین خصوصی سازی و مردمی شدن قائل نمی‌شوند. با این توضیح مشخص می‌شود که چرا برای شناخت خصوصی سازی‌های صورت گرفته نمی‌توان صرفاً به متن سیاست‌ها اکتفا کرد؛ چرا که این متن حاکی از تمایل سیاست‌گذار است نه آنچه در عمل پیاده شده است.

حال که مشخص شد لزومی ندارد خصوصی سازی در جهت مردمی شدن اقتصاد باشد، جهت بررسی دقیق‌تر میزان هم جهت بودن این دو، خصوصی سازی را از نظر انطباق با مؤلفه‌های تعریف به دست آمده از اقتصاد مردمی مورد بررسی قرار می‌دهیم؛

در ادامه برای مقایسه تعریف خصوصی سازی با تعریف اقتصاد مردمی و مؤلفه‌های آن به بررسی ابعاد



بررسی تطبیقی الگوهای مطرح مردمی سازی اقتصاد (خصوصی سازی، بخش سوم و تعاونی) و اقتصاد مردمی در دیدگاه رهبران انقلاب اسلامی «گزارش ۳»

مشارکت مردم در این مدلها از جنبه حضور آگاهانه، ماهرانه، مسئولانه، دسترسی به امکانات، عاملیت آحاد مردم، بستر لازم برای ورود سرمایه آحاد مردم، معنا نداشتن مدیریت آحاد مردم؛ مالکیت آحاد مردم و انگیزه و توانایی لازم برای ورود به تمامی عرصه‌های اقتصاد؛ پرداخته شده است:

۳.۲.۱. بررسی حضور آگاهانه مردم

در فرایند خصوصی سازی، مشارکت مردم به صورت آگاهانه صورت نمی‌گیرد؛ به عبارت دیگر، مردم به طور کامل از پیامدها، مزایا و معایب این فرایند آگاه نیستند و ممکن است تحت تأثیر عوامل مختلفی مانند تبلیغات، فشارهای اجتماعی یا نیازهای اقتصادی، به این مشارکت ترغیب شوند. این عوامل ممکن است باعث شوند که مردم تصمیماتی بگیرند که در بلندمدت به نفع آنها نباشد.

این عدم آگاهی ممکن است به دلایل مختلفی مانند پیچیدگی مسائل اقتصادی، عدم دسترسی به اطلاعات دقیق و موثق یا عدم توانایی تحلیل این اطلاعات رخ دهد یا حتی به این دلیل که دولت یا نهادهای اقتصادی در فرایند خصوصی سازی ممکن است با استفاده از ابزارهای مختلف مانند تبلیغات، تسهیلات و مشوق‌ها، مردم را به مشارکت در این فرایند تشویق کنند. هم چنین رسانه‌ها و تبلیغات معمولاً رویکردی مثبت نسبت به خصوصی سازی دارند و بر مزایای آن تأکید می‌کنند. این رویکرد می‌تواند باعث شود که مردم به طور کامل از جنبه‌های منفی خصوصی سازی آگاه نشوند.

۳.۲.۲. بررسی حضور ماهرانه مردم

اگرچه هدف از خصوصی سازی، افزایش مشارکت مردم در فعالیت‌های اقتصادی و تصمیم‌گیری‌ها است، اما در عمل، دلایل متعددی وجود دارد که نشان می‌دهد اکثر مردم دانش و مهارت‌های کافی برای مشارکت مؤثر در این فرایند را ندارند.

چند دلیل را می‌توان برای این ویژگی برشمرد. اولاً اقتصاد یک سیستم پیچیده و پویا است که درک عمیق آن



بررسی تطبیقی الگوهای مطرح مردمی سازی اقتصاد (خصوصی سازی، بخش سوم و تعاونی) و اقتصاد مردمی در دیدگاه رهبران انقلاب اسلامی (گزارش ۳)

نیازمند دانش تخصصی و تحلیل عمیق است. بسیاری از افراد به دلیل مشغله‌های روزمره، دسترسی محدود به اطلاعات دقیق و یا عدم آموزش کافی، قادر به درک کامل مفاهیم اقتصادی نیستند. ثانیاً در بسیاری از موارد، فرایند خصوصی سازی با شفافیت کافی همراه نیست. اطلاعات مربوط به مزایا و معایب خصوصی سازی، نحوه ارزیابی دارایی‌ها و نحوه فروش آن‌ها به صورت کامل در اختیار عموم قرار نمی‌گیرد. ثالثاً آموزش اقتصادی در مدارس به اندازه کافی به دانش‌آموزان ارائه نمی‌شود و در نتیجه بسیاری از افراد با مفاهیم اقتصادی آشنا نیستند. رابعاً مردم نیز احساس می‌کنند که در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی نقشی ندارند و در نتیجه انگیزه‌ای برای کسب اطلاعات بیشتر ندارند.

۳.۲.۳. بررسی حضور مسئولانه مردم

در الگوی خصوصی سازی افراد مسئولیت و تعهدی نسبت به استفاده از دانش و مهارت خود نسبت به افزایش رفاه دیگران و بهبود وضعیت آن‌ها ندارند. اساساً یکی از نگرانی‌های رایج در مورد خصوصی سازی این است که آیا در اقتصادهای مبتنی بر بازار، افراد انگیزه کافی برای استفاده از دانش و مهارت خود برای بهبود زندگی دیگران دارند یا خیر؟

اصل سودآوری و وجود رقابت شدید بین بنگاه‌های اقتصادی در کنار عدم نظارت کافی را می‌توان به عنوان عوامل وجود یا تشدید این مؤلفه در خصوصی سازی دانست. در اقتصاد بازار، هدف اصلی شرکت‌ها کسب سود است. این اصل ممکن است باعث شود که شرکت‌ها بیشتر به دنبال حداکثر کردن سود خود باشند تا افزایش رفاه اجتماعی. از طرف دیگر رقابت شدید بین شرکت‌ها می‌تواند باعث شود که آن‌ها برای کسب سهم بیشتری از بازار، اقدام به کاهش هزینه‌ها کنند که ممکن است به ضرر کیفیت محصولات یا خدمات و رفاه مصرف‌کننده باشد. هم چنین در صورت عدم نظارت کافی دولت بر فعالیت‌های اقتصادی، شرکت‌ها ممکن است به دنبال سود کوتاه‌مدت باشند و به مسائل بلندمدت مانند اثرات زیست محیطی و اجتماعی فعالیت‌های خود توجهی نکنند.



بررسی تطبیقی الگوهای مطرح مردمی سازی اقتصاد (خصوصی سازی، بخش سوم و تعاونی) و اقتصاد مردمی در دیدگاه رهبران انقلاب اسلامی «گزارش ۳»

۳.۲.۴. بررسی دسترسی آحاد مردم به امکانات و اطلاعات

در مدل اقتصادی خصوصی سازی، اغلب اوقات به نیازهای اساسی همه افراد جامعه، به ویژه دسترسی برابر به امکانات و اطلاعات، توجه کافی نمی شود و حتی خصوصی سازی ممکن است منجر به افزایش نابرابری در دسترسی به منابع و فرصت ها شود.

در اقتصاد بازار، هدف اصلی شرکت ها کسب سود است. این تمرکز بر سودآوری باعث می شود که شرکت ها به جای تأمین نیازهای همه افراد جامعه، به دنبال کسب حداکثر سود از گروه های خاص بوده و به مسائل بلندمدت مانند دسترسی عادلانه به خدمات و اطلاعات توجهی نکنند. شرکت ها معمولاً به بازارهایی که سودآوری بیشتری دارند، توجه بیشتری نشان می دهند. این امر ممکن است باعث شود که مناطق محروم و گروه های کم درآمد از دسترسی به خدمات و اطلاعات محروم شوند. هم چنین خصوصی سازی ممکن است باعث افزایش هزینه های خدمات و کالاها شود که این امر به ویژه برای افراد کم درآمد مشکل ساز است.

مدل اقتصادی خصوصی سازی بدون توجه به عدالت اجتماعی و دسترسی عادلانه به امکانات و اطلاعات می تواند باعث افزایش شکاف بین فقیر و غنی، کاهش رفاه اجتماعی، افزایش نارضایتی عمومی، تضعیف انسجام اجتماعی و افزایش تنش های اجتماعی شود.

۳.۲.۵. بررسی انگیزه و توانایی برای ورود به تمامی عرصه های اقتصادی

از آنجا که در اقتصاد بازار انگیزه اصلی شرکت ها کسب سود است، مدل و الگوی خصوصی سازی نیز از این قاعده مستثنی نبوده، لذا این مدل به طور بالقوه می تواند انگیزه و توانایی برای ورود به تمامی عرصه های اقتصادی را فراهم کند. در این مدل، در تئوری، هر فرد یا گروهی که ایده و سرمایه کافی داشته باشد، می تواند وارد بازار شود و کسب و کار خود را راه اندازی کند.

البته در عمل، عوامل مختلفی می تواند این پتانسیل را محدود یا تقویت کند. وجود نابرابری های اولیه در میزان



بررسی تطبیقی الگوهای مطرح مردمی سازی اقتصاد (خصوصی سازی، بخش سوم و تعاونی) و اقتصاد مردمی در دیدگاه رهبران انقلاب اسلامی (گزارش ۳)

دسترسی به سرمایه، اطلاعات، شبکه‌های ارتباطی، آموزش، فناوری‌های پیچیده، وجود انحصار، سیاست‌های دولت در زمینه رقابت، حمایت از کسب‌وکارهای کوچک و متوسط و زیرساخت‌ها، فرهنگ کارآفرینی و ... می‌توانند به عنوان عوامل محدودکننده یا تقویت‌کننده این مؤلفه عمل کنند.

۳.۲.۶. بررسی مالکیت آحاد مردم

در سیستمی که دارایی‌ها به بخش خصوصی واگذار می‌شوند، مفهوم مالکیت برای افراد عادی از بین می‌رود و تنها بخش کوچکی از جامعه (صاحبان شرکت‌های خصوصی) مالک واقعی خواهند بود. در مدل خصوصی سازی، مالکیت دارایی‌ها معمولاً در دست تعداد محدودی از افراد یا شرکت‌ها متمرکز می‌شود که این امر می‌تواند منجر به افزایش نابرابری شود. هم چنین در مواردی که بین منافع مالکان خصوصی و منافع عمومی تضاد ایجاد می‌شود، مالکان خصوصی به دنبال حداکثر کردن سود خود بوده حتی اگر به قیمت کاهش کیفیت خدمات یا افزایش قیمت تمام شود.

۳.۲.۷. بررسی مدیریت آحاد مردم

در سیستم اقتصادی که بر اساس مالکیت خصوصی و رقابت بازار شکل گرفته است، افراد به عنوان واحدهای مستقل تصمیم‌گیرنده و مدیریتی چندان اهمیتی ندارند. در چنین سیستمی، تصمیمات کلان اقتصادی بیشتر تحت تأثیر نیروهای بازار، شرکت‌های بزرگ و دولت است تا تصمیمات فردی.

در اقتصاد بازار، شرکت‌ها به عنوان واحدهای اصلی تولید و عرضه کالا و خدمات عمل می‌کنند. تصمیمات کلان اقتصادی اغلب در سطح شرکت‌ها اتخاذ می‌شود و افراد به عنوان کارکنان یا مصرف‌کنندگان، نقش‌های مشخصی دارند. در چنین الگویی اگرچه نیروهای عرضه و تقاضا در تعیین قیمت‌ها و تخصیص منابع نقش دارند، اما تأثیر فردی آن‌ها در مقایسه با نیروهای کلان بازار، محدود است؛ و از آنجا که در این الگو افراد به دنبال حداکثر کردن منافع شخصی خود هستند. این انگیزه فردی می‌تواند منجر به تصمیم‌گیری‌هایی شود که به نفع کل جامعه نباشد.



بررسی تطبیقی الگوهای مطرح مردمی سازی اقتصاد (خصوصی سازی، بخش سوم و تعاونی) و اقتصاد مردمی در دیدگاه رهبران انقلاب اسلامی (گزارش ۳)

۳.۲.۸. بررسی ورود سرمایه آحاد مردم

در مدل اقتصادی که بر اساس مالکیت خصوصی و رقابت بازار شکل گرفته است، امکان مشارکت مستقیم و گسترده آحاد مردم در سرمایه گذاری و فعالیت های اقتصادی به اندازه کافی فراهم نیست.

در بسیاری از موارد، خصوصی سازی با تمرکز بر جذب سرمایه گذاران بزرگ همراه است. این امر ممکن است به دلیل نیاز به سرمایه کلان برای خرید بنگاه های بزرگ یا به دلیل ریسک پذیری کمتر سرمایه گذاران بزرگ باشد.

از طرف دیگر، سرمایه گذاران خرد معمولاً با موانعی مانند حداقل سرمایه مورد نیاز برای سرمایه گذاری، پیچیدگی های قانونی و مالی و عدم دسترسی به اطلاعات کافی مواجه هستند. هم چنین در این مدل ابزارهای مالی مناسب برای مشارکت مستقیم و گسترده آحاد مردم در سرمایه گذاری وجود نداشته و بازارهای مالی نیز معمولاً به دلیل نوساناتی که دارند برای سرمایه گذاران خرد مناسب نیستند.

۳.۲.۹. بررسی عاملیت آحاد مردم

در مدل خصوصی سازی، مردم در نقش های مختلفی از جمله تولیدکننده، مصرف کننده و دیگر نقش ها جای می گیرند. مردم در جای جای فرآیند تولید و توزیع و مصرف نقش دارند. کارگران، مدیران، کارفرمایان، مصرف کنندگان و ... همه از مردم اند.

بخش سوم اقتصاد

۱.۳.۳. تعریف بخش سوم اقتصاد

اصطلاح بخش سوم اقتصاد^۱ یا بخش داوطلبانه^۲ یا بخش غیر انتفاعی^۳ از دهه هفتاد میلادی رایج شده است. در کنار بخش خصوصی یا بازار (بخش اول) و بخش عمومی یا دولت (بخش دوم) سازمان هایی فعالیت می کنند

1. Third sector

2. Voluntary sector

3. Non for profit



بررسی تطبیقی الگوهای مطرح مردمی سازی اقتصاد (خصوصی سازی، بخش سوم و تعاونی) و اقتصاد مردمی در دیدگاه رهبران انقلاب اسلامی «گزارش ۳»

که جزو هیچ یکی از این دو بخش نیستند اما بسیار برجسته به فعالیت های اقتصادی می پردازند و در دهه های اخیر حجم بالایی از تولید داخلی بسیاری از کشورها را تشکیل می دهند. جایگاه نظری این بخش در ارتباط با دو بخش دیگر اقتصاد این گونه است که اصالت با بخش اول اقتصاد است. بخش دوم در موارد شکست بخش اول و بخش سوم در موارد شکست بخش دوم اقتصاد شکل گرفته است.

برای این بخش تعارف متعدد و متنوعی ارائه شده است. یک تعریف جامع از این بخش این است که «بخش سوم اقتصاد آن دسته از نهادهاست که اولاً به وسیله گروهی از افراد یا اعضا به صورت داوطلبانه و بدون توجه به نفع شخصی خود و دیگران راه اندازی شده و تداوم می یابد، ثانیاً به وسیله خود مردم کنترل و اداره می شود و ثالثاً هرگونه سودآوری حاصل از فعالیت ها در جهت هدف های تعیین شده صرف می شود و سود شخصی و سازمانی وجود نخواهد داشت. (درخشان و نصراللهی به نقل از مارک لیونز، ۱۳۹۳: ۷)»

با این تعریف تنوع فعالیت های بخش سوم شامل؛ خدمات اجتماعی مثل خانه سالمندان، سلامت مثل تأسیس بیمارستان، آموزش و فعالیت های مرتبط مثل آموزش های دینی، دیگر خدمات انسانی مثل خدمات به افراد بیکار، سازمان های دینی و مذهبی، فرهنگ و هنر، ورزش و سرگرمی، سازمان های منفعت متقابل مثل انجمن ها و اتحادیه ها، تعاونی های اقتصادی و واسطه های نوع دوست می شود.

۳.۴. مقایسه مشارکت مردم در اقتصاد با بخش سوم اقتصاد

با مقایسه تعریف خصوصی سازی و اقتصاد بخش خصوصی با تعریف اقتصاد مردمی و مؤلفه های آن می توان نتیجه گرفت که؛

۳.۴.۱. بررسی آگاهانه بودن مشارکت مردم

حضور مردم در اقتصاد بخش سوم، برخلاف بخش های دولتی و خصوصی، بر اساس آگاهی و انتخاب آگاهانه خودشان صورت می گیرد؛ به عبارت دیگر، مردم به صورت داوطلبانه و با شناخت کامل از مزایا و معایب



بررسی تطبیقی الگوهای مطرح مردمی سازی اقتصاد (خصوصی سازی، بخش سوم و تعاونی) و اقتصاد مردمی در دیدگاه رهبران انقلاب اسلامی (گزارش ۳)

آن، در فعالیت‌های اقتصادی بخش سوم مشارکت می‌کنند.

عضویت در سازمان‌های مردم‌نهاد و تعاونی‌ها معمولاً بر اساس داوطلبی و علاقه شخصی افراد است. از طرف دیگر فعالیت‌های بخش سوم معمولاً با هدف حل مشکلات اجتماعی و بهبود کیفیت زندگی مردم انجام می‌شود و این هدف‌گذاری می‌تواند انگیزه‌ای قوی برای مشارکت افراد باشد.

البته عوامل بیرونی مانند فشارهای اجتماعی، نیازهای اقتصادی و فقدان گزینه‌های بهتر نیز می‌توانند بر تصمیم افراد برای مشارکت در فعالیت‌های بخش سوم تأثیرگذار باشند. یا در برخی موارد، افراد به دلیل عدم آگاهی کافی از فرصت‌ها و مزایای مشارکت در بخش سوم، ممکن است از این فرصت‌ها محروم شوند.

۳.۴.۲. بررسی ماهرانه بودن مشارکت مردم

اگرچه بخش سوم اقتصاد (اقتصاد اجتماعی) به مشارکت فعالانه مردم تکیه دارد و افراد نیز با آموزش و تمرین می‌توانند دانش و مهارت‌های لازم برای مشارکت مؤثر در بخش سوم را کسب کنند، اما این به این معنا نیست که اکثر افراد به طور خودکار دانش و مهارت‌های لازم برای این مشارکت را دارند.

بخش سوم اقتصاد شامل طیف وسیعی از فعالیت‌ها از جمله امور خیریه، محیط‌زیست، توسعه جامعه، بهداشت، آموزش و غیره می‌شود. اولاً هر یک از این فعالیت‌ها نیازمند دانش و مهارت‌های تخصصی خاص خود است. ثانیاً اداره یک سازمان مردم‌نهاد یا تعاونی نیازمند مهارت‌های مدیریتی، مالی و ارتباطی است که همه افراد به طور طبیعی به آن مجهز نیستند. ثالثاً مشارکت فعال در بخش سوم نیازمند صرف زمان و منابع است که ممکن است برای همه افراد امکان‌پذیر نباشد. رابعاً بسیاری از افراد ممکن است از فرصت‌های مشارکت در بخش سوم آگاه نباشند یا از نحوه مشارکت در این فعالیت‌ها اطلاع نداشته باشند.

بنابراین در حالی که اکثر افراد پتانسیل مشارکت در بخش سوم اقتصاد را دارند، اما برای مشارکت مؤثر، نیاز به آموزش، توسعه مهارت‌ها و ایجاد بستر مناسب است.



بررسی تطبیقی الگوهای مطرح مردمی سازی اقتصاد (خصوصی سازی، بخش سوم و تعاونی) و اقتصاد مردمی در دیدگاه رهبران انقلاب اسلامی «گزارش ۳»

۳.۴.۳. بررسی مسئولانه بودن مشارکت مردم

در اقتصاد بخش سوم افراد نسبت به استفاده از دانش و مهارت خود نسبت به افزایش رفاه دیگران و بهبود وضعیت آن‌ها احساس تعهد و مسئولیت می‌کنند. اساساً این همان ماهیت و روح حاکم بر اقتصاد بخش سوم است. در بخش سوم اقتصاد، افراد به جای تمرکز بر سود فردی، بر استفاده از دانش و مهارت خود برای بهبود زندگی دیگران و جامعه تمرکز می‌کنند. تعهد اجتماعی و مسئولیت‌پذیری، اصول اساسی فعالیت در این بخش هستند.

این به این دلیل است که سازمان‌های بخش سوم به دنبال کسب سود مالی نیستند و هدف اصلی آن‌ها ایجاد تغییر اجتماعی مثبت است. بسیاری از افراد در بخش سوم به صورت داوطلبانه و بدون دریافت دستمزد فعالیت می‌کنند که نشان‌دهنده تعهد آن‌ها به جامعه است. سازمان‌های بخش سوم معمولاً بر نیازهای گروه‌های آسیب‌پذیر و محروم جامعه تمرکز می‌کنند و تلاش می‌کنند تا کیفیت زندگی آن‌ها را بهبود بخشند. در بخش سوم اقتصاد، ارزش‌های انسانی مانند همدلی، عدالت و برابری بسیار مهم هستند.

۳.۴.۴. بررسی دسترسی عادلانه آحاد مردم به امکانات و اطلاعات

در حالی که بخش سوم به عنوان بخشی از اقتصاد شناخته می‌شود که بر اساس همکاری، عدالت و پاسخگویی اجتماعی بنا شده است، اما در عمل، دسترسی عادلانه به اطلاعات و امکانات برای همه افراد در این بخش تضمین نشده است.

برخی از افراد به دلیل عوامل مختلفی مانند سطح تحصیلات، موقعیت اجتماعی، اقتصادی و دسترسی به فناوری، به اطلاعات کمتری نسبت به سایرین دسترسی دارند. برخی از سازمان‌های بخش سوم ممکن است بر نیازهای گروه‌های خاصی تمرکز کنند و از سایر گروه‌ها غافل شوند. بسیاری از سازمان‌های بخش سوم با کمبود منابع مالی و انسانی مواجه هستند که می‌تواند بر توانایی آن‌ها در ارائه خدمات به همه افراد تأثیر بگذارد. برخی از سازمان‌های بخش سوم ممکن است در مورد تصمیم‌گیری‌ها و استفاده از منابع شفاف نباشند که می‌تواند به عدم



بررسی تطبیقی الگوهای مطرح مردمی سازی اقتصاد (خصوصی سازی، بخش سوم و تعاونی) و اقتصاد مردمی در دیدگاه رهبران انقلاب اسلامی «گزارش ۳»

اعتماد و کاهش مشارکت مردم منجر شود.

۳.۴.۵. بررسی انگیزه و توانایی لازم برای ورود به تمامی عرصه‌های اقتصادی

اگرچه بخش سوم پتانسیل بالایی برای نوآوری و پاسخگویی به نیازهای جامعه دارد، اما ادعای اینکه این بخش توانایی ورود به تمامی عرصه‌های اقتصادی را دارد به چند دلیل زیر نمی‌تواند صحیح باشد.

اولاً سازمان‌های بخش سوم معمولاً با محدودیت منابع مالی و انسانی مواجه هستند که توانایی آن‌ها برای ورود به تمامی عرصه‌های اقتصادی را محدود می‌کند. ثانیاً ماهیت اصلی بخش سوم، تمرکز بر مسائل اجتماعی است. ورود به برخی عرصه‌های اقتصادی که نیازمند سرمایه‌گذاری‌های کلان و ریسک‌پذیری بالا هستند، ممکن است با ماهیت اصلی این بخش در تضاد باشد. ثالثاً در برخی موارد، سازمان‌های بخش سوم ممکن است با رقابت شدید بخش خصوصی مواجه شوند که می‌تواند بقای آن‌ها را به خطر اندازد. رابعاً ورود به برخی عرصه‌های اقتصادی نیازمند تخصص‌های خاصی است که ممکن است در سازمان‌های بخش سوم وجود نداشته باشد.

۳.۴.۶. بررسی مالکیت آحاد مردم

در حالی که بخش سوم به عنوان یک بخش مشارکتی و دموکراتیک شناخته می‌شود، اما مالکیت در این بخش به صورت ساده و یکپارچه قابل تعریف نیست. تنوع در مالکیت، به بخش سوم این امکان را می‌دهد که به نیازهای مختلف جامعه پاسخ دهد و از انعطاف‌پذیری بیشتری برخوردار باشد. بخش سوم بسته به ماهیت و نوع سازمان (تعاونی، انجمن و بنیاد)، منبع تأمین مالی (کمک‌های مردمی، کمک‌های دولتی و درآمدهای حاصل از فعالیت‌های اقتصادی) و هدف سازمان (ارائه خدمات اجتماعی، حفظ محیط‌زیست یا ارتقای فرهنگ) می‌تواند از شقوق مختلف مالکیتی برخوردار باشد.

مالکیت جمعی (تقسیم مالکیت به صورت جمعی و بین همه اعضای سازمان)، مالکیت دولتی و مالکیت خصوصی (مالکیت افراد یا گروه‌های خاص) از جمله مالکیت‌هایی است که می‌تواند بر بخش سوم اقتصاد



بررسی تطبیقی الگوهای مطرح مردمی سازی اقتصاد (خصوصی سازی، بخش سوم و تعاونی) و اقتصاد مردمی در دیدگاه رهبران انقلاب اسلامی (گزارش ۳)

حاکم باشد. لذا می توان گفت که مالکیت در اقتصاد بخش سوم، به شکل های مختلفی وجود دارد و نمی توان آن را صرفاً به آحاد مردم تعمیم داد.

۳.۴.۷. بررسی مدیریت آحاد مردم

در بخش سوم اقتصاد مدیریت آحاد مردم به معنای مدیریت در بخش های دولتی و خصوصی معنا ندارد و مفهوم مدیریت در بخش سوم، متفاوت از مدیریت در بخش های دولتی و خصوصی است. در بخش سوم، مدیریت بیشتر به معنای تسهیلگری، رهبری خدمتگزارانه و ایجاد بستر مناسب برای مشارکت همه افراد است. اقتصاد بخش سوم به شدت بر مشارکت داوطلبانه و فعالانه افراد تأکید دارد. این بدان معناست که آحاد مردم نه تنها به عنوان مصرف کنندگان یا ذینفعان، بلکه به عنوان تصمیم گیرندگان و مدیران نیز در این بخش حضور دارند. هم چنین بسیاری از سازمان های بخش سوم، ساختارهای دموکراتیک دارند که در آن تصمیم گیری ها به صورت جمعی و با مشارکت همه اعضا انجام می شود. این نشان می دهد که مدیریت در بخش سوم، لزوماً به معنای مدیریت سلسله مراتبی و متمرکز نیست، بلکه می تواند به صورت مشارکتی و توزیع شده باشد. از طرف دیگر بخش سوم شامل طیف گسترده ای از سازمان ها با ساختارهای مدیریتی مختلف است. برخی سازمان ها ممکن است ساختارهای سلسله مراتبی تری داشته باشند، در حالی که برخی دیگر ساختارهای بسیار دموکراتیک و مشارکتی دارند.

۳.۴.۸. بررسی فراهم بودن بستر لازم برای ورود سرمایه آحاد مردم

آحاد مردم می توانند به روش های مختلفی سرمایه خود را در بخش سوم اقتصاد وارد کنند. این مشارکت می تواند به شکل های زیر باشد:

- سرمایه مالی: افراد می توانند به صورت مستقیم یا از طریق مؤسسات مالی، به سازمان های بخش سوم کمک های مالی کنند. این کمک ها می تواند به صورت یک باره یا به صورت مستمر انجام شود.



بررسی تطبیقی الگوهای مطرح مردمی سازی اقتصاد (خصوصی سازی، بخش سوم و تعاونی) و اقتصاد مردمی در دیدگاه رهبران انقلاب اسلامی (گزارش ۳)

- سرمایه انسانی: افراد می توانند با مشارکت داوطلبانه در فعالیت های سازمان های بخش سوم، از جمله ارائه خدمات، آموزش و مشاوره، سرمایه انسانی خود را در اختیار این سازمان ها قرار دهند.
- سرمایه اجتماعی: افراد می توانند با معرفی سازمان های بخش سوم به دیگران، ایجاد شبکه های ارتباطی و حمایت از کمپین های این سازمان ها، به تقویت سرمایه اجتماعی آن ها کمک کنند.
- سرمایه فکری: افراد می توانند با ارائه ایده های نوآورانه، تخصص و دانش خود، به بهبود عملکرد سازمان های بخش سوم کمک کنند.

۳.۴.۹. بررسی عاملیت آحاد مردم

به طور کلی در اقتصاد بخش سوم، عاملیت یا کنشگری به طور مستقیم در دست آحاد مردم است. هر فرد در بخش سوم، مسئولیت بخشی از کارها را بر عهده می گیرد و برای موفقیت سازمان تلاش می کند.

تعاونی

۳.۴.۱۰. تعریف تعاونی

برنارد لاورن^۱ معتقد است اکثر مؤلفان درصدد تعریف جامعی برآمدند تا شامل کلیه شرکت های تعاونی گردد ولی مواجهه با تعریف های مبهمی شده و تعریف آن ها شامل شرکت های سرمایه داری شده است. مدت سی سال متمادی جمعی کوشیده اند اساسنامه جامعی برای شرکت های تعاونی تدوین کنند اما محصول زحمات آن ها نتوانست رضایت بخش باشد. تاکنون تعریف جامعی که شامل کلیه شرکت های تعاونی گردد به دست نیامده است.^۲

کلمه تعاون از ریشه «عون» و در باب تفاعل به معنای همکاری آمده و همسان با واژه

1. Bernard Lavergne

۲. (لاورن، ۱۳۴۸: ۵۵-۵۴)



بررسی تطبیقی الگوهای مطرح مردمی سازی اقتصاد (خصوصی سازی، بخش سوم و تعاونی) و اقتصاد مردمی در دیدگاه رهبران انقلاب اسلامی «گزارش ۳»

«Cooperation» در زبان انگلیسی به کار می‌رود. این واژه را اولین بار رابرت آون^۱ در مقابل واژه رقابت «Competition» به کار گرفت. تاکنون تعاریف متعددی از تعاون و تعاونی ارائه گردیده است. واژه تعاون که در مفهوم عام اشاره به مساعدت، یاریگری، رعایت منافع جمعی و دستگیری از دیگران دارد، به زبان ساده به معنای «همکاری» است. در مقابل به مفهوم خاص آن، تعاون بر نوع مشخصی از کار کردن با یکدیگر دلالت دارد که از طریق تشکیل سازمان رسمی و به کارگیری روش‌های مدیریتی خاص، دسترسی به اهداف مشترک را امکان‌پذیر می‌سازد. در واقع هنگامی که فردی نتواند به تنهایی کار یا فعالیت کند، بهتر است از دیگران کمک بگیرد تا آن کار را به صورت جمعی و با همکاری یکدیگر انجام دهند. این شیوه انجام کار را «تعاون» و شکل سازمان‌یافته آن را «تعاونی» گویند (خسروی پور و همکاران، ۱۳۹۳: ۴).

اتحادیه بین‌المللی تعاون^۲، تعاونی را به عنوان «یک انجمن خودمختار از افراد متحد شده به صورت داوطلبانه برای برآوردن نیازها و آرزوهای مشترک اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود از طریق یک شرکت مشترک مالک و تحت کنترل دموکراتیک» تعریف می‌کند (King & Ortmann, ۲۰۰۷: ۳).

در قانون شرکت‌های تعاونی، «شرکت تعاونی» چنین تعریف شده است: «شرکت تعاونی، شرکتی است از اشخاص حقیقی یا حقوقی که به منظور رفع نیازمندی‌های مشترک و بهبود وضع اقتصادی و اجتماعی اعضا از طریق خودیاری و کمک متقابل و همکاری آنان موافق اصولی که در این قانون مصرح است تشکیل می‌شود»^۳.

طبق قانون شرکت‌های تعاونی، انواع شرکت‌های تعاونی در سه رشته تعاونی به شرح زیر طبقه‌بندی

می‌شود:

1. Robert Owen

2. International Co-operative Alliance

۳. قانون شرکتهای تعاونی، مصوب ۱۳۵۰/۰۳/۱۶، ماده ۲ (اصلاحی ۱۳۵۲/۰۴/۰۹)



بررسی تطبیقی الگوهای مطرح مردمی سازی اقتصاد (خصوصی سازی، بخش سوم و تعاونی) و اقتصاد مردمی در دیدگاه رهبران انقلاب اسلامی (گزارش ۳)

۱ - رشته کشاورزی: شامل تعاونی های کشاورزی و روستایی.

۲ - رشته مصرف: شامل تعاونی های مصرف کنندگان مسکن اعتبار و آموزشگاه ها.

۳ - رشته کار و پیشه: شامل تعاونی های کار، تعاونی های حرف و صنایع دستی، تعاونی های صنایع کوچک، تعاونی های تهیه و توزیع، تعاونی های مشاغل آزاد و تعاونی های صیادان.^۱

اهداف بخش تعاونی عبارت اند از:

مهم ترین و جامع ترین اهداف تعاونی، اهدافی است که در قانون بخش تعاون جمهوری اسلامی ایران به آن اشاره شده است و عبارت اند از:

۱. ایجاد و تأمین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل

۲. قرار دادن وسایل کار در اختیار کسانی که قادر به کارند، ولی وسایل کار ندارند

۳. پیشگیری از تمرکز و دست به دست گشتن ثروت در دست افراد و گروه های خاص جهت تحقق عدالت اجتماعی

۴. جلوگیری از کارفرمای مطلق شدن دولت

۵. قرار گرفتن مدیریت و سرمایه و منافع حاصله در اختیار نیروی کار و تشویق بهره برداری مستقیم از حاصل کار خود

۶. پیشگیری از انحصار، احتکار، تورم و زیان به غیر

۷. توسعه و تحکیم مشارکت و تعاون عمومی در بین مردم

۸. قرار دادن مدیریت، سرمایه و سود حاصل در اختیار نیروی کار و تشویق به بهره برداری از حاصل کار^۲

۱۱.۴.۲. مقایسه مشارکت مردم در اقتصاد با مشارکت بخش تعاونی در اقتصاد

۱۲.۴.۳. بررسی آگاهانه بودن مشارکت مردم

حضور آگاهانه را اگر به معنای عضویت در تعاونی و توجه به ماهیت تعاون اقتصادی بگیریم قطعاً هر فرد با

۱. قانون شرکتهای تعاونی، مصوب ۱۳۵۰/۰۳/۱۶، ماده ۱۸ (اصلاحی ۱۳۵۲/۰۴/۰۹)

۲. قانون بخش تعاونی اقتصاد، مصوب ۱۳۷۰/۰۶/۲۴، ماده ۱



بررسی تطبیقی الگوهای مطرح مردمی سازی اقتصاد (خصوصی سازی، بخش سوم و تعاونی) و اقتصاد مردمی در دیدگاه رهبران انقلاب اسلامی «گزارش ۳»

عضویت در تعاونی به صورت آگاهانه و داوطلبانه تلاش می کند تا با اشتراک گذاری ظرفیت های خود با سایر اعضا و استفاده از ظرفیت های دیگران به گونه ای مشارکت و کار اقتصادی جمعی بکنند تا همگی نفع ببرند.

در جایی در تعریف تعاونی حضور آگاهانه نیامده است اما ساختار تعاونی به گونه ای طراحی و برنامه ریزی شده است که هر فرد برای ورود و خروجش از تعاونی اختیار کامل دارد بنابراین این حضور و عضویت در تعاونی با اختیار و آگاهی از ماهیت تعاونی انجام می شود.

اصل اول: عضویت اختیاری و آزاد: تعاونی ها سازمان های اختیاری هستند و عضویت در آن ها برای تمام افرادی که بتوانند از خدمات آن ها استفاده کنند و مسئولیت های ناشی از عضویت را بپذیرند، بدون تبعیضات جنسی، اجتماعی، نژادی، سیاسی یا مذهبی آزاد است (---، ۱۳۷۷: ۱۰-۸).

۳.۴.۱۳. بررسی ماهرانه بودن مشارکت مردم

از آنجایی که تعاونی ها انواعی دارند و فقط در تعاونی تولید است که عاملیت اجرای فعالیت اقتصادی مستقیماً با اعضا است و افراد بر اساس مهارتی که دارند توانستند عضو در تعاونی باشند.

حتی در تعاونی تولید می توان برای عضویت شرط داشتن مهارت را لازم دانست تا افراد برای عضویت مهارت لازم برای تولید محصولات آن تعاونی را دارا باشند.

اما اگر ماهرانه را به معنای اهمیت ساختار تعاونی به مهارت اعضای خود بدانیم اتحادیه تعاون بین الملل آموزش و کارورزی را از اصول تعاونی می داند:

اصل پنجم: آموزش و کارورزی و اطلاع رسانی: تعاونی ها برای اعضا، نمایندگان منتخب، مدیران و کارکنان خود آموزش و کارورزی فراهم می آورند (---، ۱۳۷۷: ۱۰-۸).

همچنین حجت الاسلام دکتر یوسفی یکی از اصول تعاونی در اسلام را آموزش و ارتقاء مهارت می داند تا به واسطه آن همدلی و برادری بین افراد افزایش پیدا کند:

اصل آموزش و اطلاع رسانی دائمی یکی از مهم ترین پایه های یک



بررسی تطبیقی الگوهای مطرح مردمی سازی اقتصاد (خصوصی سازی، بخش سوم و تعاونی) و اقتصاد مردمی در دیدگاه رهبران انقلاب اسلامی «گزارش ۳»

تعاونی اعضای آن و نگرش آن‌ها به سیستم فعالیت تعاونی و برادری و همدلی در آن است بنابراین یک تعاونی مصرف باید در راستای ارتقاء سطح دانش اعضای خود تلاش کند و دائماً محتوای آموزشی و ترویجی در بین اعضا منتشر کند تا موجب رشد تک تک اعضا و در نتیجه دوام بیشتر همکاری و همدلی در تعاونی شود (یوسفی، ۱۳۸۵).

۳.۴.۱۴. بررسی مسئولانه بودن

حس مسئولیت تک تک اعضا در تعاونی باید هم به نسبت سایر اعضای تعاونی باشد و هم به نسبت جامعه باشد. به همین منظور اتحادیه بین الملل تعاونی در اصل هفتم تعاونی این گونه بیان می کند:

اصل هفتم توجه به جامعه: تعاونی‌ها در عین حال که به نیازها و خواست‌های اعضا می پردازند برای توسعه پایدار جامعه خود فعالیت می کنند.

اما یک نکته در اینجا مهم است و آن اینکه توجه به جامعه را از جنس توسعه می داند یعنی هر تعاونی مسئول است که تلاش کند تا سهمی در توسعه جامعه داشته باشد و با این عبارت مشخص می شود تعریف اتحادیه بین الملل از توجه تعاونی‌ها به جامعه از جنس سرمایه داری است و فقط خلاصه می شود در توسعه اقتصادی و برای تعاونی مسئولیت دیگری بیان نکرده است.

اصل عضویت آزاد مسئولانه این اصل آزادی و اختیار بهره‌مندی همه افراد از عضویت در اقتصاد تعاونی و از سوی دیگر پذیرش مسئولیت‌هایی در برابر این بهره‌مندی است علاوه بر این آزادی در خروج استعفا نیز به عنوان حق اعضا می باشد البته اعضای تعاونی اعتبار تحقیقاتی از حق استعفا مواجه و برخی مسئولیت‌های نیز هستند (یوسفی، ۱۳۸۵).

مسئولیت نسبت به اعضا و جامعه را می توان خلاصه کرد به انجام وظایفی که در چارچوب قانون مشخص شده است یا می توان به معنای دیگری ورای چارچوب قانونی در نظر گرفت و اساس آن را برادری و اخوت بین اعضا و حتی نسبت به افراد غیر عضو دانست. یک فرد می تواند در تعاونی در چارچوب وظایف



بررسی تطبیقی الگوهای مطرح مردمی سازی اقتصاد (خصوصی سازی، بخش سوم و تعاونی) و اقتصاد مردمی در دیدگاه رهبران انقلاب اسلامی «گزارش ۳»

خود عمل کند و دیگر کار به چیز دیگری نداشته باشد یا می تواند اعضا را مانند برادر خود بداند و نسبت به مشکلات نیاز و مسائل آن ها خود را مسئول بداند.

کاگنا^۱ یکی دیگر از اندیشمندان اقتصاد تعاونی، تعاون را اقتصاد برادری نامیده است (انصاری، ۱۳۸۲) وی با این تعبیر بر جنبه گذشت و فداکاری در تعاون تأکید دارد.

۳.۴.۱۵. بررسی دسترسی عادلانه آحاد مردم به امکانات و اطلاعات

ایجاد دسترسی عادلانه به اطلاعات و امکانات به شکل کلان از وظایف حاکمیت است اما از این حیثیت که آیا ساختار تعاونی ظرفیت ایجاد این دسترسی را دارد باید بگوییم بله. تعاونی ها شرکت های حقوقی هستند که عضویت در آن ها آزاد است و همه می توانند در تعاونی ها عضو بشوند و بستر مناسبی هستند تا حاکمیت اطلاعات و امکانات فعالیت اقتصادی را به واسطه بستر تعاونی به شکل عادلانه در اختیار عموم قرار دهد همان طور که در قانون بخش تعاونی که در شهریور سال ۱۳۷۰ در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید در فصل اول آن چنین آمده است:

فصل اول - اهداف و ضوابط کلی بخش تعاونی

ماده ۱ - اهداف بخش تعاونی عبارت است از:

۱- ایجاد و تأمین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل.

۲- قرار دادن وسایل کار در اختیار کسانی که قادر بکارند ولی وسایل کار ندارند.

۳- پیشگیری از تمرکز و تداول ثروت در دست افراد و گروه های خاص جهت تحقق عدالت اجتماعی.



بررسی تطبیقی الگوهای مطرح مردمی سازی اقتصاد (خصوصی سازی، بخش سوم و تعاونی) و اقتصاد مردمی در دیدگاه رهبران انقلاب اسلامی (گزارش ۳)

۴- جلوگیری از کارفرمای مطلق شدن دولت.^۱

۳.۴.۱۶. بررسی انگیزه و توانایی لازم برای ورود به تمامی عرصه های اقتصادی

از آنجایی که تعاونی ها یکی از شخصیت های حقوقی برای انجام فعالیت های اقتصادی هستند می توانند در تمامی عرصه های اقتصادی وارد بشوند و محدودیتی برای فعالیت ندارند؛ اما از جهت تعاونی ها انگیزه و توانایی ورود به همه عرصه های اقتصادی را دارند یا نه این مسئله نسبت به عرصه های مختلف و انواع تعاونی متفاوت است که حاکمیت باید نهایت تلاش خود را بکند تا تعاونی ها توانمند شوند و انگیزه بخشی و حمایت بکند تا در بیشتر عرصه ها نقش آفرینی کنند.

۳.۴.۱۷. بررسی مالکیت و ورود سرمایه آحاد مردم

اساس ساختار تعاونی ها بر پایه مالکیت مشاع اعضا باهم است این مسئله در اصول معرفی شده اتحادیه بین المللی تعاون به این شکل آمده است:

اصل سوم: مشارکت اقتصادی اعضا: اعضا به طور منصفانه و با کنترل دموکراتیک سرمایه خود را تأمین می کنند آن ها معمولاً متناسب با سرمایه پرداخت شده خود که یکی از شرایط عضویت می باشد سود محدودی در صورت وجود دریافت می دارد (---، ۱۳۷۷: ۱۰-۸).
به همین منظور در قانون شرکت های تعاونی هم چنین بیان شده است:

ماده ۱۰ - سرمایه شرکت تعاونی نامحدود و سهام آن با نام و مسئولیت هر عضو محدود به میزان سهمی است که از سرمایه شرکت خریداری و یا تعهد نموده است و حداکثر سود سالانه سهام نباید از ۶٪ تجاوز کند.^۲
اما شاید کامل ترین بیان متعلق به کتاب اقتصاد تعاون از منظر اسلام باشد که هم مالکیت و هم سرمایه (وارد شدن سرمایه بدون مالکیت) در تعاونی ها را به این شکل تفصیل داده است:

۱. قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران مصوبه ۱۳۷۰

۲. قانون شرکت های تعاونی مصوب ۱۳۵۰/۰۳/۱۶



بررسی تطبیقی الگوهای مطرح مردمی سازی اقتصاد (خصوصی سازی، بخش سوم و تعاونی) و اقتصاد مردمی در دیدگاه رهبران انقلاب اسلامی (گزارش ۳)

تأمین سرمایه تعاونی به چند شکل ممکن است که معمولاً تأمین سرمایه توسط خود اعضا بهترین روش برای جذب سرمایه است و نسبت به روش‌های دیگر مطلوب‌تر است اما میزان و روش‌های سرمایه‌گذاری از اعضا باید طوری باشد که با فلسفه تأسیس اقتصاد تعاونی و اهداف آن منافاتی نداشته باشد.

اگر تعاونی‌ها نتوانند از طریق اعضای خود جذب سرمایه کنند روش‌های دیگری مانند تسهیلات بانکی یا فروش سهام تعاونی را می‌توان برای جذب سرمایه در دستور کار قرار داد.

تأمین سرمایه از افراد غیر عضو یکی از موارد دیگری است که اقتصاد تعاونی می‌تواند در مواقع ضرورت از آن استفاده کند (یوسفی، ۱۳۹۵).

۳.۴.۱۸. بررسی مدیریت آحاد مردم

یکی از اصول مهم تعاونی که همه افراد آن را جزو اصول مهم بیان کرده است اصل مدیریت همگانی توسط اعضا

بیان کرده‌اند که به واسطه جلسات مجمع عمومی انجام می‌شود:

اصل دوم: کنترل دموکراتیک توسط اعضا: تعاونی‌ها سازمان‌های دموکراتیک هستند و توسط اعضای خود که فعالانه در سیاست‌گذاری و اتخاذ تصمیم‌ها مشارکت می‌کنند کنترل می‌شود. مردان و زنانی که به عنوان نمایندگان منتخب خدمت می‌کنند در مقابل اعضا از حق مسئول‌اند در تعاونی‌های سطح اولیه (شرکت‌های تعاونی) اعضا از حق رأی مساوی برخوردارند و همچنین تعاونی‌ها در سطوح دیگر به شکلی دموکراتیک سازمان می‌یابد (---، ۱۳۷۷: ۱۰-۸).

ماده ۷ - مجمع عمومی عالی‌ترین مرجع اتخاذ تصمیم و ابراز اراده جمعی اعضا برای اداره امور شرکت است که در آن تمام اعضا حق دارند حضور به هم رسانند و رأی خود را درباره موضوع دستور جلسه مجمع بدهند. در مجمع عمومی هر عضو قطع نظر از تعداد سهام فقط دارای یک رأی است.^۱

۱. قانون شرکت‌های تعاونی مصوب ۱۳۵۰/۰۳/۱۶



بررسی تطبیقی الگوهای مطرح مردمی سازی اقتصاد (خصوصی سازی، بخش سوم و تعاونی) و اقتصاد مردمی در دیدگاه رهبران انقلاب اسلامی (گزارش ۳)

اصل مدیریت همگانی: همه اعضای تعاونی برای انتخاب هیئت مدیره و سایر امور مهم تعاونی از طریق رأی گیری حق مشارکت دارد و از این طریق نسبت به فعالیت ها و تصمیمات تعاونی به سهم خود نقش آفرینی می کنند. این اصل حق رأی گیری و مشارکت برای تمام اعضای یکسان است و میزان سهام و مالکیت افراد نباید در این حق اثرگذار باشد (یوسفی، ۱۳۹۵).

با توجه به متن قانون و گزارش کنگره بین المللی تعاون عالی ترین مرجع تصمیم گیری و ابزار مدیریت در تعاونی ها مجمع عمومی است که هر فرد نسبت به مصوبات در آنجا فارغ از میزان سهامش فقط یک حق رأی دارد.

۳.۴.۱۹. بررسی عاملیت آحاد مردم

به طور کلی در اقتصاد عاملیت و اجرای فعالیت های اقتصادی بر عهده آحاد مردم است و طبیعتاً بین اقتصاد تعاونی و سایر مدل ها در فعالیت اقتصادی تفاوتی نیست. به همین جهت عاملیت در اقتصاد تعاونی به دست آحاد مردم رقم می خورد. همچنین در تعاونی تولید عاملیت تولید محصولات بر عهده اعضای تعاونی تولید است و مستقیماً توسط اعضا انجام می شود.

۴. جمع بندی

در این گزارش، مبتنی بر تعریف به دست آمده از بیانات امامین انقلاب (ره) در مورد اقتصاد مردمی که عبارت است از: «حضور آگاهانه، ماهرانه و مسئولانه آحاد مردم، همراه با دسترسی عادلانه به امکانات و اطلاعات، در تمامی عرصه های اقتصادی که توانایی و انگیزه ورود به آن را دارند، از نظر مالکیت، مدیریت، ورود سرمایه و عاملیت»، تعاریف مشارکت مردم در الگوهای خصوصی سازی، بخش سوم و تعاونی، به عنوان سه الگوی متعارف و مطرح از مشارکت مردم در اقتصاد مورد واکاوی قرار گرفت.

در این واکاوی نتایجی که در جدول زیر مورد اشاره قرار گرفته است، به دست آمد. البته علامت های این جدول بیانگر اولاً وجه غالب در هر یک از سه الگوی مذکور و ثانیاً ناظر به مفهوم این سه الگو است.



بررسی تطبیقی الگوهای مطرح مردمی سازی اقتصاد (خصوصی سازی، بخش سوم و تعاونی) و اقتصاد مردمی در دیدگاه رهبران انقلاب اسلامی (گزارش ۳)

ممکن است آنچه در مقام عمل به اجرا گذاشته شده است، تحت شرایط خارج از مفهوم و تعریف الگوی های زیر چیزی متفاوت از مقام نظر آن بوده باشد.

نتایج حاصله گویای آن است که الگوی تعاونی، از بین سه الگوی مذکور، به اقتصاد مردمی نزدیک تر است. الگوی بخش سوم در مرتبه بعدی قرار گرفته و الگوی خصوصی سازی متأسفانه کمترین اشتراک را با مردمی شدن اقتصاد دارد.

مؤلفه های اقتصاد مردمی	خصوصی سازی	بخش سوم	تعاونی
حضور آگاهانه	×	✓	✓
حضور ماهرانه	×	×	✓
حضور مسئولانه	×	✓	×
دسترسی عادلانه به امکانات و اطلاعات	×	×	✓
ورود به تمامی عرصه های اقتصادی مشروط به انگیزه و توانایی	✓	×	✓
مالکیت	×	×	✓
مدیریت	×	✓	✓
ورود سرمایه	×	✓	✓
عاملیت	✓	✓	✓

آنچه در این مقایسه به چشم می آید، تفاوت های اساسی این سه الگو در میزان مشارکت مردم و تأثیرگذاری آن ها بر تصمیم گیری های اقتصادی است.

الگوی تعاونی به عنوان نزدیک ترین الگو به اقتصاد مردمی شناخته می شود. در تعاونی ها، تصمیم گیری ها به صورت جمعی و بر اساس اصل یک نفر یک رأی انجام می شود. اعضای تعاونی به طور مستقیم در اداره و بهره برداری از منابع شرکت می کنند. این امر باعث افزایش احساس مالکیت و مسئولیت پذیری در میان اعضا می شود و در نتیجه، منجر به افزایش کارایی و بهره وری می شود.

الگوی بخش سوم نیز به نوعی به مشارکت مردم در فعالیت های اقتصادی تاکید دارد. اما در مقایسه با



بررسی تطبیقی الگوهای مطرح مردمی سازی اقتصاد (خصوصی سازی، بخش سوم و تعاونی) و اقتصاد مردمی در دیدگاه رهبران انقلاب اسلامی (گزارش ۳)

تعاونی ها، میزان مشارکت مردم در تصمیم گیری ها کمتر است.

در الگوی خصوصی سازی مالکیت و کنترل منابع اقتصادی به بخش خصوصی واگذار می شود. هدف اصلی خصوصی سازی، افزایش کارایی و بهره وری است اما این الگو ممکن است به افزایش نابرابری و تمرکز ثروت در دست عده ای خاص منجر شود. همچنین، ممکن است منجر به کاهش توجه به منافع عمومی و اجتماعی شود.

۵. توصیه های سیاستی

هر یک از این سه الگو دارای مزایا و معایب خاص خود هستند. انتخاب بهترین الگو برای هر اقتصاد، به شرایط خاص آن اقتصاد بستگی دارد. با این حال، با توجه به اهمیت مشارکت مردم در تصمیم گیری های اقتصادی و تأمین عدالت اجتماعی، الگوی تعاونی به عنوان یک الگوی مناسب برای تحقق اقتصاد مردمی پیشنهاد می شود. توصیه به گسترش مشارکت مردم در اقتصاد در قالب الگوی تعاونی به دلیل تطابق حداکثری این الگو با معیارهای نه گانه اقتصاد مردمی بود که در این پژوهش گذشت و گرنه هر الگوی دیگری که واجد معیارهای نه گانه مذکور باشد می تواند به عنوان الگوی مورد تایید مشارکت مردم در اقتصاد توصیه شود.



بررسی تطبیقی الگوهای مطرح مردمی سازی اقتصاد (خصوصی سازی، بخش سوم و تعاونی) و اقتصاد مردمی در دیدگاه رهبران انقلاب اسلامی «گزارش ۳»

۶. منابع

۱. ---، ۱۳۷۷، گزارش کار سی و یکمین کنگره ی اتحادیه ی بین المللی تعاون، منچستر ۱۹۹۵، تهران: انتشارات وزارت تعاون
۲. امیری، هادی؛ شهبازی، روح الله؛ دهقان شبانی، زهرا؛ و نادران، الیاس، ۱۳۹۱، اقتصاد بخش عمومی، جلد اول، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه با همکاری سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها
۳. انصاری، حمید، ۱۳۸۲، مبانی تعاون، دانشگاه پیام نور
۴. برنارد لاورن، ۱۳۴۸، تعاونی های مصرف کنندگان و رژیم های تعاونی، ترجمه و تحشیه: فتح الله بهاری، تهران: دانشگاه تهران، موسسه آموزش و تحقیقات تعاونی
۵. جلال آبادی، اسداله؛ عزیز نژاد، صمد و شاه حسینی، سمیه، ۱۳۸۷، «ارزیابی طرح سهام عدالت از منظر خصوصی سازی»، مجلس و راهبرد، جلد ۵۴، ش ۱
۶. خاندوزی، سید احسان، ۱۳۹۳، مصون سازی اقتصاد با رویکرد اقتصاد مردمی، تهران: سازمان پدافند غیرعامل
۷. خسروی پور، بهمن؛ برادران، مسعود؛ رواحی نژاد، محمد و قوچانی، امیدمهراب، ۱۳۹۳، بررسی اهمیت و نقش شرکت های تعاونی در بخش کشاورزی، ماهنامه کار و جامعه، شماره ۱۷۵، آذر
۸. درخشان، مرتضی و نصراللهی، خدیجه، ۱۳۹۳، تحلیل اثر توسعه بخش سوم اقتصاد بر شاخص های اقتصادی و راهکارهای توسعه آن در ایران، اقتصاد اسلامی، سال چهاردهم، شماره ۵۵
۹. رضایی دولت آبادی، حسین؛ صمدی، سعید و ناجی زواره، حسام، ۱۳۹۰، «تحلیل تأثیر خصوصی سازی بر توسعه بازار سهام در ایران»، پژوهش های حسابداری مالی، جلد ۷، ش ۳
۱۰. سلیمانی سه دهی، مجتبی و داورزنی، هدی، ۱۳۸۹، خصوصی سازی و برون سپاری: نمونه های موفق و ناموفق، چاپ اول، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی
۱۱. فیضی، طاهره؛ لطیفی، سلیمه و معصومی، مرتضی، ۱۳۹۲، «بررسی رابطه بین خصوصی سازی و توانمندسازی روان شناختی کارکنان»، فصلنامه مدیریت سازمان های دولتی، سال اول، شماره ۲



بررسی تطبیقی الگوهای مطرح مردمی سازی اقتصاد (خصوصی سازی، بخش
سوم و تعاونی) و اقتصاد مردمی در دیدگاه رهبران انقلاب اسلامی (گزارش ۳)

۱۲. قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۰/۰۶/۲۴

۱۳. قانون شرکت‌های تعاونی مصوب ۱۳۵۰/۰۳/۱۶

۱۴. کابلی زاده، احمد، ۱۳۸۴، خصوصی سازی مردمی؛ کارایی همراه با عدالت، تهران: مرکز

پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

۱۵. کاتوزیان، محمدرضا و قنبری، اکبر، ۱۳۹۱، خصوصی سازی و منابع انسانی (چالش‌ها و

فرصت‌های پیش روی سازمان‌ها)، چاپ اول، تهران: نشر موعود صادق

۱۶. یوسفی، احمدعلی، ۱۳۹۵، اقتصاد تعاونی از منظر اسلام، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ

و اندیشه اسلامی

17. Aktan, Coskun Can, 1995, An Introduction to the Theory of Privatization, The Journal of Social, Political, and Economic Studies, Vol. 20, No. 2

18. Durlauf, Steven n. & Blume, Lawrence E. (EDS), 2008, The New Palgrave: Dictionary of Economics, second edition (Vols. 1-8). London: Palgrave Macmillan UK

19. Ortmann, G.F. & King, R.P. 2007, Agricultural Cooperatives I: History, Theory and Problems, Agrekon, Vol 46, No 1

20. Sheshinski, Eytan & López-Calva, Luis F., 2003, Privatization and Its Benefits: Theory and Evidence. CESifo Economic Studies, Vol. 49

21. Vickers, John, 2008, "Privatization" In the New Palgrave Dictionary of Economics, London: Palgrave Macmillan UK



مقام معظم رهبری دام ظلّه:

«به نظر ما بهترین و موفق‌ترین کار برای خنثی کردن تحریم‌ها همین تلاش واقعی، نه تلاش شعاری! تلاش واقعی، برای تقویت تولید ملی است. اگر ما توانستیم تولید ملی را درست تقویت کنیم، مطمئن باشید که تحریم‌ها اول خنثی می‌شوند، بعد هم برطرف می‌شوند...»

(سخنرانی تلویزیونی خطاب به ملت ایران؛ ۱۴۰۰/۰۲/۱۲)

برای موفقیت در عرصه اقتصادی باید توجه ویژه به شرایط و ساختار بومی یک کشور نموده و با توجه به این شرایط بهترین سیاست اقتصادی اتخاذ گردد. تبعیت و تعبد خام در مقابل بخشی از آموزه‌های غلط و مشهور اقتصادی بدون توجه به واقعیات عینی و ساختاری یک کشور، نمی‌تواند راه‌گشای مشکلات اقتصادی باشد؛